

نقشه از صفحه اول

برنامه‌ریزی و کار این گروه ۳۰ نفری حدود ۵۰ نفر از انجمن‌های اسلامی شهرستانهای مختلف به تهران آمده و به ۳۰ نفر فوق‌الذکر در ساختمان بست مطبق شده و به یادمانی برنامه‌ریزی مشغول می‌گردند، تا اینکه از این طریق بتوانند به وحدت نظر رسیده و برنامه‌ی خود را هماهنگ سازند.

ساخته می‌شود، در حالی که به نیروی امام خمینی همی علاقه‌ای نمانی به سمت ایران‌لیسم آمریکا صادر رود. صلاح این افراد به سمت چه نهادهایی از این مملکت سانه‌گیری شده است. افرادی که از شهرستانهای مختلف به تهران آمده بودند از سردمداران این جریان، آئی داعی در جهت وجود آوردن محفلی ملو از طالبی و خرج و خرج دانستند، اسل تا کند بستری برای برهم زدن اوضاع دانشگاه‌های تهران می‌کردند.

در طول مدت طرح برزی این برنامه عناصر دیگری نیز به جمع این افراد اضافه گردید، تا آن که تعداد این افراد به حدود دویست نفر می‌رسد. این برنامه‌ها در حالی بیس می‌رند که بخش‌های جمهوری آفای سی‌صدر تا این گونه اعمال مخالف بوده و مردم را دعوت به مبارکت در جراحی‌های خیریه‌ها، مملکت می‌کند. بعد از انعام این برنامه‌ریزی‌ها مبارکات لازم را جهت آماده کردن طرح آماده بوده. به تهیه پلاکارد و تراکت شده و جمعاً حدود دویست پلاکارد تهیه می‌نمایند که پس از انتشار دانشگاه آنها را در سالیان آینده نیز در همان آهاریان عقب طبقه نادرک دیده شده است. عضوی این پلاکاردها، تعطیلی دانشگاه‌ها تحت عنوان اصلاح نظام آموزشی بود. در ضمن گروهی سازماندهی عملیات این افراد نیز به دست ما رسیده که حداکثره منسرتند و در این طرح به مواردی برخورد می‌کنم که شرح مختصر آن در صفحه‌ی صفحه آمده است.

این افراد حدود یک هفته است که در بی‌باده کردن این طرح سراسری می‌بایست ولی همان طور که فرموده شد که در یک طرف از این نهادهاى جدیدی که در بین آنها جکفترتاس و از طرف دیگر چون خنجرآینا ناید و اساسی ندادند صرفاً در نداشتن تا نیروهای برنجخواه و انقلابی صورت می‌گیرد، نداشت که بی‌سیم یا کون بوقی به حل مشکلاتی نیروی خود نگرفته و نادر به آماده کردن طرح سندند. اند است که خلق نیزهانی‌ها با خواری. خون سیدمان کلگون نشو جان. با این نارد و اجازه بدید که این راستکاران احتضارطلب این حسن سربوت دانشجویان بسیاری را که در مقابل رژیم شاه و کارد آلمنی او حاللی نگردند، طمعنی خود نوار دجید.

طرح و گروهی سازماندهی که نوار بوده پس از انعام و تعطیل کردن دانشگاه‌ها سانه‌ساده بود. طبق گروهی به دست آمده، شنگاه طرح عملیات در هر دانشگاه این نوع سنگیانی سانه می‌شود و شنه‌های مختلفی که در گروهی آمده است در دانشگاه‌ها ستر می‌شود و هر کدام به نسبی از کار حمله انجام می‌ورند.

خوب این عمل تحت حفاظت و یوسن اصلاح نظام آموزشی و تصفیه و **تجارت شهید علی مهندس دوست** دهم، ندائی که از درون وجدان‌ها از درون خلق سمنده و از درون طمطم و حرکت کماطی جهان می‌سوسم... درود بر او که در راه جان خود را فدای آزادی و سادگی، با هم مضم همس به ندائی که بود، را به خود می‌جواید. باسج متب استاروماری ارتباط ادامه خواهد داشت.

باکازی صورت می‌گیرد، ابتدا مراکز مهم در دانشگاه یعنی انان رئیس هشت علی دانشگاه محاصره و سپس به مراکز گروههای سیاسی فعال در دانشگاه حمله می‌شود و این مراکز وقتی به صرف در آمد مهر و نوم شده و سبروها از دانشگاه اخراج می‌کند و با نصب پلاکارد انحلال دانشگاه را اعلام می‌نماید.

مقدمه‌ای بر اسناد نوظئه

به نام خدا
بمقام خلق ایران

به دنبال اخباری که در روزها نام شده بسبی بر این که سروهانی قصد ایجاد آسوت و برهم زدن

ممن نایب شده‌ی اسناد

نام خدا
چرنامه الف
در این قسمت سندیمی نایب شده‌ها و اول آن فرم سنگیانی سیده دانشگاه بود نظرطراخان نوظئه بوده. ترسیم شد است ماکلیشه بین فرمی و یکی دیگر از تصحاحات سند را در این همین صفحه را بر طرفان میگرداریم

نظرات ساد مرکزی که نیلا اعلام شده است، بی یوانید صحت کند، ترکیب پیشنهادی شورای هماهنگی: سئوسن کسیده باصافه یک نفر با دو نفر رابطین اطلاعات و اخبار در کسیده روابط عمومی یا شورای هماهنگی، برای رساندن اخبار و اطلاعاتی که در دانشگاه خودتان واقع شده و همس ارائه

توطئه‌ی اغتشاش، آشوب و تعطیل دانشگاهها

دانشگاهها را دارند. انجمن‌های دانشجویان سلیان دانشگاهها و مدارس عالی برای جلوگیری از بروز حرکتی انتسابی و ناآرامی در دانشگاهها و حقه وحدت و یکارحتگی صورت خلق به نگدی این ماجرا و روس کردن ذلت این امور پرداخت و در نسیمی از این کوشش‌های برادران و خواهران سندی از گروهی سازماندهی این عده دارخو که قصد انحلال برهم‌زدن و سانه‌ساختن دانشگاهها را داشتند به دستمان رسد.

از آنجائی که هرگونه طرح و مرج و آشوب در این شرایط جز به نفع ایران‌لیسم خواهد بود و شخص رئیس جمهوری یا برهم زدن دانشگاهها مخالف است. لذا این سند را در اجمار علوم هم‌سپهان عزیز قرار می‌دهیم. ما از بروز حوادث ناخوشایو زاینبار سبگیری شود. این سند که از مقر این عده دارخو به دست آمده است، سانه دهنده‌ی گروهی سازماندهی عملیاتی است که قصد انحلال آن را دارند یا مطالعه خود ساد به برنامه‌ریزی و کسری عملیاتی که قصد انجام آن را داشتند بی خواهد بود.

برهم زدن و تعطیل دانشگاهها را نداشتند. فعالیت‌های خود را از جدیدی مثل شروع کرده بودند. که ماجراهای آن در اطلاعیه‌های بعدی به اطلاع عموم خواهد رسد. انجمن‌های دانشجویان سلیان دانشگاهها و مدارس عالی، دو قسمت: ۱- رشتند مخرمانه‌ی توطئه‌ی اغتشاش آشوب دانشگاهها

وظایف شورای هماهنگی
۱- اجرای دقیق طرح سنگیانی و نظارت بر کارگزاران و ارتباطی سنگیانی سوره‌ها هماهنگی
۲- هماهنگ کردن کسیده‌ها از نظر کارهای اجرایی و سوری اساسی بود (سازو از طریق سنگیانی سوره‌ها هماهنگی)
۳- معسر حمل کار افراد در بعضی کسیده‌ها برای این که حقه سوسد و سواند در نام رسیده‌ها نعال سوسد. مخصوصاً نموسن افراد استقامت، مذکر. سینه‌سادی سواد از همه‌اترادی که در دانشگاه فعالیت می‌کند (البته انجمن‌ها) در حفاظت و پاسداری استفاده شود. طبق یک برنامه‌ریزی دقیق.
۴- نظارت و کنترل کسیده‌ها در دانشگاهها.
۵- حفظ اموال دانشگاه با زمانی که آنها را به صاحبانش تحویل دهم. ۶- تهیه اسامی کسانی که باید کارت بگیرند و در کسیده‌ها و رابطه با دانشگاه فعالیت کنند. ۷- غه آماده کردن زمینه کار تبلی از شروع عملیات. (به لحاظ نادرکات مورد نیاز و آماده کردن جو تبلیغاتی دانشگاه و منطقه)
۸- شورای هماهنگی هر دانشگاه در مورد کل حرکت، موسگیری و اعلام نظر در مورد موضوعات جدید به عنوان سخنگوی انجمن‌ها و سازمانها را ندارد ولی می‌بواند اطلاعاتی در مورد وضع دانشگاه خودشان در اجمار خبرگزاران قرار دهد. و همسین در مورد موسگیری‌ها و منطقه

۱- برزاری ارتباط دائم با ساد مرکزی و کسیده‌های دانشگاه خودشان برای تبادل خبرها.
۲- دادن کارت به افراد طبق نسبی که توسط شورای هماهنگی تهیه شده است و کنترل کارت‌ها و رفت و آمد جلوی درب ورودی دانشگاه
۳- رساندن پیام‌های دربارت شده‌ها ساد مرکزی به کسیده و نا شخص سروه‌ها در دانشگاه.
۴- بخش اطلاعات و اخبارجون گنده اخبار داخل و خارج دانشگاه را در اجمار دارد در صورت لزوم می‌بواند به ساد کسیده‌ها برای رفع اشکالات و سروسد وضع آنها را همسود جاش ارائه دهد.

۵- وظایف کمیته استقامت و حفاظت
۱- سانس جورا سلیغاتی اسناد و سانه‌ها قبل از خد ا و حد در آماده کار. برای هر دانشگاه یک سنده‌ای در ستر کسیده سده است که همواره این طرح ارائه‌دهنده می‌شود. آسینه سوار سوسه، سعار، ران و مالدتهای اندولوریکه - ساسی و اراده‌ان توسط سنده‌گو در جلوی درب دانشگاه، حدالان برای که هغه اول عملیات. (از صبح‌ساعت) باند سعی بود که جو جلوی دانشگاه در دست‌یابانند تا بتوانم آن را کنترل کنم.
۳- کداسن جنسات سحرمانی و سوجه کاری که گردانده و ذکر اهمیت

۱- سانس جورا سلیغاتی اسناد و سانه‌ها قبل از خد ا و حد در آماده کار. برای هر دانشگاه یک سنده‌ای در ستر کسیده سده است که همواره این طرح ارائه‌دهنده می‌شود. آسینه سوار سوسه، سعار، ران و مالدتهای اندولوریکه - ساسی و اراده‌ان توسط سنده‌گو در جلوی درب دانشگاه، حدالان برای که هغه اول عملیات. (از صبح‌ساعت) باند سعی بود که جو جلوی دانشگاه در دست‌یابانند تا بتوانم آن را کنترل کنم.
۳- کداسن جنسات سحرمانی و سوجه کاری که گردانده و ذکر اهمیت



۱- سانس جورا سلیغاتی اسناد و سانه‌ها قبل از خد ا و حد در آماده کار. برای هر دانشگاه یک سنده‌ای در ستر کسیده سده است که همواره این طرح ارائه‌دهنده می‌شود. آسینه سوار سوسه، سعار، ران و مالدتهای اندولوریکه - ساسی و اراده‌ان توسط سنده‌گو در جلوی درب دانشگاه، حدالان برای که هغه اول عملیات. (از صبح‌ساعت) باند سعی بود که جو جلوی دانشگاه در دست‌یابانند تا بتوانم آن را کنترل کنم.
۳- کداسن جنسات سحرمانی و سوجه کاری که گردانده و ذکر اهمیت

۱- سانس جورا سلیغاتی اسناد و سانه‌ها قبل از خد ا و حد در آماده کار. برای هر دانشگاه یک سنده‌ای در ستر کسیده سده است که همواره این طرح ارائه‌دهنده می‌شود. آسینه سوار سوسه، سعار، ران و مالدتهای اندولوریکه - ساسی و اراده‌ان توسط سنده‌گو در جلوی درب دانشگاه، حدالان برای که هغه اول عملیات. (از صبح‌ساعت) باند سعی بود که جو جلوی دانشگاه در دست‌یابانند تا بتوانم آن را کنترل کنم.
۳- کداسن جنسات سحرمانی و سوجه کاری که گردانده و ذکر اهمیت

آن در صورت انقلاب، در سمدگی خود درب دانشگاه. مذکر: تربست سحرمانی‌ها و دعوت از سحرمان‌ها برای اتحاد هماهنگی در خلق سهر توسط ساد مرکزی صورت می‌کند. (سرون دانشگاه و با داخل دانشگاه بستگی به نوعیت آن دارد). سوسه کتابهایی در مورد نظام آموزشی و اهمیت فرهنگ اتمام و آموزش در اسان. ۲- نصب پلاکارد در محل‌های سحن سده از قبل در دانشگاه و منطقه از غلظت و یک ستاداری صبح روز تعطیلات.

۳- کداسن کتاب‌های سحرمانی در سحن سده از قبل در دانشگاه و منطقه از غلظت و یک ستاداری صبح روز تعطیلات. ۴- سانس جورا سلیغاتی اسناد و سانه‌ها قبل از خد ا و حد در آماده کار. برای هر دانشگاه یک سنده‌ای در ستر کسیده سده است که همواره این طرح ارائه‌دهنده می‌شود. آسینه سوار سوسه، سعار، ران و مالدتهای اندولوریکه - ساسی و اراده‌ان توسط سنده‌گو در جلوی درب دانشگاه، حدالان برای که هغه اول عملیات. (از صبح‌ساعت) باند سعی بود که جو جلوی دانشگاه در دست‌یابانند تا بتوانم آن را کنترل کنم.
۳- کداسن جنسات سحرمانی و سوجه کاری که گردانده و ذکر اهمیت

۴- سانس جورا سلیغاتی اسناد و سانه‌ها قبل از خد ا و حد در آماده کار. برای هر دانشگاه یک سنده‌ای در ستر کسیده سده است که همواره این طرح ارائه‌دهنده می‌شود. آسینه سوار سوسه، سعار، ران و مالدتهای اندولوریکه - ساسی و اراده‌ان توسط سنده‌گو در جلوی درب دانشگاه، حدالان برای که هغه اول عملیات. (از صبح‌ساعت) باند سعی بود که جو جلوی دانشگاه در دست‌یابانند تا بتوانم آن را کنترل کنم.
۳- کداسن جنسات سحرمانی و سوجه کاری که گردانده و ذکر اهمیت

بقیه از صفحه اول

خلق زیمبابوه قدم در راه آزادی و استقلال میگذارد

رودریا در آمد. ولی عدا
فعلانیس موعو کردند. در سال ۱۹۶۱
اجاده خلق افریقائی زیمبابوه
(ZAPU) بوجود آمد. در ۱۹۶۳ به
دنیال سکائی در حبس باسوما -
لنسی رودریا، اجاده ملی افریقائی
زیمبابوه (ZAN) با همکاری جدار
سال ۱۹۶۵ به خاطر اعلام استقلال
یک خانه از سوی بان است که
هم "رابو" و هم "رابو" به تفاوت
سرجامدای علیه رژیم بان است
دست برد. انگلستان نیز بطور
مستقیم از نظر سیاسی وارد صحنه
رودریا کردند. رابو در سال ۱۹۶۷-
۱۹۶۹ نوانس به داخل مناطق
سیالی و غربی نفوذ کند و یک خانه
سی را در ارس رودریا ایجاد کند. در
سال ۱۹۷۲ در پی رد پیشنهاد حل
اختلاف از جانب انگلستان،
حسین‌های رهائی‌بخش رودریا دست
به کار حطات - محسنی غلبه‌یاد برسان
دست نادهای اسپرالیتم در بواخی
مکزی دند در جنگ‌های ۱۹۷۲ -
۱۹۷۲ رابو در نبردهای بسیاری
موفق بود

حقیقت است که با شروع
بنازری سلاح‌ها به رهبری رابو و
رابو و خطر گسترش این نوع به
بواخی دیگر تحت سلطه در افریقا
جنوبی اسپرالیتم جهانی به حساب
از رژیم بان است و برادران
برخاست و در عین حال پیروان در
بلاش بوده است که این مبارزات را
به انحراف بکشد.

تشکیل جبهه‌ی مینبی

السه سرورزی‌هایی که خلق‌های
موراسیک و آنکولا بدست آوردند، در
رشد مبارزات خلق زیمبابوه به عنوان
یا که به سال ۱۹۷۳ نفس مینبی دست
در سال ۱۹۷۳ به حزب زامبان
و جدت افریقا و نیز کشورهای راسا و
باربانا یک شورای مشترک از رابو
و "رابو" به عنوان همسنگ کل در
حیث اعلام و اتحاد کتی می‌گردد.
و گرامام جبهه‌ی سپه‌ی رودریا
از دو جبهه‌ی رابو و راسو
سنگل شد این جبهه در
دو سنگل خورد حطات ۵ کشور خط
خدم جبهه یعنی آنکولا، راسا،
موراسیک، باربانا و بوسوانا تراز
گرفت و در سال ۱۹۷۴ مبارزه‌ی مسلحانه
جبهه‌ی سپه‌ی را خورد نامد تراز
دادند.

بلازهای انگلستان و بریت
دانش کفران‌های نیامی لندن، در
جبهه‌ی جلوگیری از سرورزی ناطع
سرورهای افریقائی از طریق مبارزه
مسلحانه و فعال کردن جناح‌های مبارز
نگار بوده است. این بلازها
سراجام بوانس به سنگل دولتی به
رهبری استیف بوروا که بان است
یکی از اعضای کابینه‌ی بان بود مدخر
کرد. ولی ظنمان این حکومت برابری
نمی‌بوانست خورد حطات سودهای
تراز گردد و علاوه بر آن نمی‌بوانست
به مبارزات مسلحانه پایان بدهد.

اما بی‌بودن سرورزی مبارزه‌ی
سلاح‌های که به رهبری زامبان‌های
افریقائی بسیار و با انگه، به وحدت
صوف خلق حاصل شده است. این
ندرت‌ها همواره خواهد داشت تا در
برابر دیگر موطنه‌ها استنادگی کند.
بناز ریاست که سخن یکی از
رهبران همواره مظل تحت سلطه‌ی
افریقا را داد آور سوم - سخن بامرس
نوموسا را که گفت:

"بارخ روزی حرف آخر خود
را خواهد برد. البته نه آن تاریخی که در
بروکسل، پاریس، بواکسین و سازمان
مطل می‌آیند. بلکه تاریخی که
کشورهای رها شده از بند استعمار و
حکام غروسیکی آن می‌آیند."

شکست تلاش‌های امپریالیسم

"جبهه‌ی سپه‌ی رودریا با
انگه، به حمایت بودهای و از طریق
مبارزه‌ی مسلحانه خود موجه گردید
که معادلات طرح برتری شده ای -
النوم و دست ساندگانس به شکست
اجامد و اسپرالیتم نازم محصور به

سری سوم سرودها و اشعار انقلابی مجاهدین خلق
سری سوم " سرودها و اشعار انقلابی مجاهدین خلق " را از
روز سه شنبه "تقد" از مراکز وابسته یا هوادار و همچنین کتابفروشی‌های
هوادار و مینبیشای فروخته‌ی مجاهد خریداری کنید.
در ضمن چون سپه‌ی شده نروهای عرضه شده حتی الامکان دارای
کیفیت خوبی باشد لذا در صورت ملاحظه هرگونه اشکال برای تمویض آن
به مراکز وابسته یا هوادار مراجعه کنید.

خورشید خون گرفته‌ی نه ارغوان



خورشید روی تپه‌ی سرح " اوین " دمید
در نظره‌ی خورشید گرم که بی‌ریخت
از جرفه‌های رهگذر سرح سرب داغ در تن زرم واران خلق،
در لحظه‌ی شهادت تاریخی
در آستانه‌ی سحر انقلاب
واشگاه بر فراز تپه‌ی سرح " اوین "
خورشید جو نگرفته‌ی نه ارغوان شکفت

و اشی که از هوای ساکت سلول
با چشم و دست سینه سرون می‌آی
موج هوای پاک وزان روی گونه‌های تو، گاهی،
احساس پروکتون و پرواز در هوای آبی آزادی است.
زندگی سیاسی، بازی
با جنمهای سسته نیز راهبای محسن و مقتدر را
از قصر تا اوین و کشته
تا جنتگر به جبهه دل و حسن، بی‌سند
در آن نگاه
و اشی که از درون سدهای " اوین " تا به روی تپه‌های بخاور،
پاران

با جسم و دست بند راهبرده،
در ریزگاه‌های دلتیان
در ریزگاه‌های محکم تا آستان سربوست روان -
در هزار آفری آشفته می‌تپید
در صحنه‌های دیگر همسندان

بیزن چه گفته است در آن لحظه
با مصطفی ؟
پاراز به گاه بوسوه بدرود
بی سرود
سدا
خوشان

حلا دسجیح هم جسی
از ترم این حایتا تاریخی
هنگام سرح فاجعه دیدیم بی‌گریست
بی سوه تراز او
اینا

آن که نقش سرح جاودام، این پاکمان شهیدان را
بر لوح انقلاب خلق‌های سپه‌ی ما
در پیشگاه خلق، و تبحانه سکرند

سرورزی تپه‌های سرح " اوین
خورشید انقلاب جاری بویای خلق‌های مینبشان
خوشان و جاودانه دمیده است
در قامت ننگه‌ی نه ارغوان
۱۳۵۴/۱/۲۸
ب آرز

اعلامه‌ی انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تبریز در مورد وقایع روز سه شنبه این دانشگاه

ایام هم متعل مبارزه را فروران نگاه
داشته‌اند. روشن است که پیروند
سازری ضد امپریالیستی بدون شرکت
کلیه‌ی سپه‌های مردمی انگل‌بدر
سود و خواهد بود و از اسپرالیتم
که سانه سپاه‌های متعدد
ایام صبی بر دست برداشتن از
اختلافات و مفای افکشی و کارکنی در
مسیر وحدت ضد امپریالیستی تاکنون
گردد و لزوم اتحاد و شکل تمام
سروها حول محور مبارزه با دشمن
اصلی را برای چندین بار گویند
می‌نمایم.

حیثی وجود حوی دیوکراتیک
یکی از مهم‌ترین ضروریات در مسیر
این مبارزه می‌باشد. حال بسیم چه
کسی... از اتحاد صحنه‌ی تفرقه‌های
گردد و لزوم اتحاد و شکل تمام
سروها حول محور مبارزه با دشمن
اصلی را برای چندین بار گویند
می‌نمایم.

در چنین وضعی است که
می‌بسیم با یک سری حرکات مشکوک
حسینی حصری تبدیل به
نظارتی بر علیه سروهای مترقی
می‌گردد و عناصر معلوم الحال با
ایراد حسودی از متحش شدن خو
دانشگاه اقدام به اعمالی می‌کنند.
انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه
حیدرآباد تبریز ضعیف حکومت‌گرد
نشد اینگونه اعمال از کلیه‌ی
مقامات دانشگاه و تودهای دانشجویان
می‌خواهد که از هیچگونه کوشی
در جهت حفظ سلامت محیط دانشگاه
گوناچی بوزند
انجمن دانشجویان مسلمان
دانشگاه حیدرآباد تبریز ۵۹/۱/۲۷

سالروز اعدام ناجوانمردانه‌ی ..

دیگناوری وحشیانه و به اوج رسیده‌ی
آن رژیم مزدور بود - کشتار ۹ تن از
زندانیان سیاسی! که تارت بودند
از نظام ذوالانوار، مصطفی‌حاج خوشدل
بیزن جزئی عباس‌سورگی، حسن‌ضیا
طربقی، عزیزسرمه‌ی، سعیدگلانتری، و
محمد جوان‌زاده، احمدخلیل‌انشار
مردوران خنایتگر رژیم که از
تورشدن شی چند از همپالکی‌های
خود (سیک‌جولاد) نوروری،
شهریاری و رندی‌جولاد در حسی
زیوانی فرورفته بودند - زندانیان
سیاسی و به خصوص ۹ تن زندانیان
مذکور را بر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های
انتقامجویانه قرار دادند تا شاید که
اراده‌ی بولادین آنها را درهم شکسته
به تسلیم سازش با رژیم وادارتان
سازند. اما علمیرعم تمام شکنجه‌ها و
دژمیان دریلانه پرده از جزئیات
تمام تلاش‌های دریلانه‌شان، تنها
یک جواب گرفتند، "نه!"

خشم حیوانی رژیم و سرپردهگان
خنایتگارش، به حقارتی کشنده که

نامه‌ی مسئول دبیرستان اسدی به روزنامه‌ی مجاهد و تکذیب خبر روزنامه‌ی جمهوری اسلامی

سلام حق
روزنامه‌ی محترم مجاهد
به احترام می‌رساند -
روزنامه‌ی جمهوری اسلامی
در چند کلمه مطالب سدرج بورجه
در ۲۹/۱/۷۹ در سون خط ارسالی ما
داند او را و بعنسی چه به سون
عنه‌ی گروهی حایب کند و حقیقت را
دانش آموزان، چه سون استجاب
باز به مظلوظی‌نالی‌ها یا گون اسماج
ورده‌اند، لذا سندی است که
انجام رسانت روزنامه‌نگاری سخن بر
نویز ایدان عمومی سست به حاد
و افعات، به درج شوکی نگذرد
با تمام کفه سون بدنه می‌گردد
اندام فرماید

مسئول دبیرستان اسدی
علوی طالبانی ۵۹/۱/۱۶

رو سون به روزنامه‌ی اطلاعات و کنگران
و ناساز و ایالات ایالتی ارمال
می‌گردد

مسئول دبیرستان اسدی
علوی طالبانی
به نام حق
روزنامه‌ی جمهوری اسلامی
۵۹/۱/۱۶

از ایالات ایالتی ارمال که از
نول خدایای از - است آبران اسلامی

سخنرانی برادر مجاهد محمد سیدی کاسانی در مشهد

عشاء جدا
به نام خلق قهرمان ایران
در اوچگیری شور ضد امپریالیستی امریکائی خلق قهرمان ایران
که قطع روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا را به دنبال داشت، و در
سالگرد شهادت هفت تن از شهیدای به خون‌خیزی مجاهدین خلق
ایران، تجدید عهدی خواهیم داشت تا در جهت تدویم انقلاب ضد
امپریالیستی، خلق‌مان، و به ترم رسانیدن خون شهیدان، دمی از مبارزه
بر علیه امپریالیسم امریکا به انگه، وحدت کلیه‌ی نیروهای مردمی
دست نگیریم، به همین مناسبت مراسمی با سخنرانی برادر مجاهد
محمد سیدی کاشانی برگزار می‌گردد.
مجاهدین خلق ایران - شاخه‌ی خراسان
زمان - ساعت ۵ بعد از ظهر شنبه ۵۹/۱/۳۰
مکان - مسجد دانشگاه حسب بیمارستان مصدق

ناصر در سال ۱۳۲۴ در خانواده‌ای مذهبی در تهران متولد شد. بعد از اتمام تئوری دندان و دندانپزشکی در دانشگاه تهران...

به لحاظ آشنایی خانوادگی با پدافعالی، در همان دوران دانشجویی در جبهه‌های مبارزه با مذهب شرکت می‌کرد. در سال‌های آخر دبیرستان با همدانشتر دکتر دوسانی احسنی سیاسی - مذهبی برخورد آورد. تزکوت خویش و عقاید و پرورش او در آن زمان...

در زمان اردشیر و حشاشی ۱۵ خرداد، به سگت و حفعل بودهای مردم امید سمیود و



مجاهد شهید ناصر صادق



مجاهد شهید علی میهن‌پوست



مجاهد شهید علی (بهروز) باکری

مجاهد شهید ناصر صادق

بی‌شک است که این جزیره‌ی سبز و آرامش‌بخش، سال‌ها سال کاروانی و حاکم خواهد بود. مایل از آنکه بر سر این خاکسبز، مظهر آزادی، آسایش و رفاه باشد. آسایش و رفاه که جز در این سرزمین حاصل نمی‌شود...

عضویت در سازمان

در سال ۴۴ خرداد، گروهی از جوانان مبارز، با هدف تشکیل یک سازمان مبارز، اقدام به عضویت کردند. در آن زمان، فضای تهران به شدت پرتنش بود...

زندانیان میدان مبارزه‌ی دیگر

در همین دوران بود که برای تهیه‌ی اسلحه با فرد خود فروخته‌ای به نام شاه‌محمد دلفانی تماس گرفتیم. او برای ما اسلحه‌ها را فراهم کرد...

آثار ۲۵۰ ساله‌ی جنایات شاهان

علی به حالی که ناصر در شیراز بود، چندین بار خانواده و دوستانش به دیدن او رفتند. در یکی از دیدارها در جواب کسانی که می‌پرسیدند: «بچه‌ها را چه می‌کنی؟» می‌گفت: «بچه‌ها را می‌پروردم...»

مجاهد شهید علی میهن‌پوست

در سال ۱۳۴۹ علی میهن‌پوست وارد کادر مرکزی سازمان شد و مدتی مسئولیت ناحیه اصفهان و مشهد را عهده‌دار بود. علی در گروه دانشجویی در کنار سایر برادران این گروه نقش ارزنده‌ای ایفا کرده و حاصل این فعالیت‌ها دستاوردهای فراوانی است که به حیات ماندگار سازمان در شهریور ۱۳۵۰ نام او در جبهه‌های مبارزه با رژیم پهلوی و در سینه‌های جوانان مبارز با رژیم پهلوی ثبت شده است...

پیوستن به سازمان

با ترک هرچه غم‌انگیز بود، بازم اسلام انقلابی و ضرورت مبارزه علیه ستم و استعمار موجود در جامعه، علی به صورت انفرادی پیوسته و با صرف انرژی و هزینه‌ی گزاف، فعالیت‌های مبارزه‌ای را در تهران و سایر نقاط مستعمرانه در مورد او به اطلاع مسئولین حزب می‌رساند. در شهریور، تزکوت خویش و عقاید و پرورش او در آن زمان...

دریغ‌داده‌ها

میهن‌پوست در میدان‌های نظامی، اجتماعی و فرهنگی، با اهداف انقلابی و اسلامی از دفاع کرد. او گفت: «رأی خواهی شد که ما را در این مبارزه، با همکاران از طبیعت و اجتماع بهره‌مند کرد. در آن زمان میهن‌پوست به طور یکسان از طبیعت و اجتماع بهره‌مند شد. او در آن زمان مسئولیت‌های زیادی را عهده‌دار شد و در این مبارزه، با همکاران از طبیعت و اجتماع بهره‌مند شد...

شهادت

شهادت او برای تمامی مبارزین و انقلابی‌ها، در آن زمان، باعث شد تا روح مبارزه در میان جوانان، با شدت بیشتری ادامه یابد. او در آن هنگام، سر از سر برآورد...

مجاهد شهید علی (بهروز) باکری

علی (بهروز) باکری در سال ۱۳۲۲ در خانواده‌ای متوسط در تهران متولد شد. او به جمع جوانان مبارز و دانشجویان انقلابی، پیوست و در کنار سایر برادران این گروه، فعالیت‌های مبارزه‌ای را عهده‌دار شد. او در آن زمان، مسئولیت‌های زیادی را عهده‌دار شد...

دوران بحران

شهرور پیش از آنکه به عضویت سازمان درآید، یک دوران بحران را گذراند. او در شهریور ۱۳۵۰، با گروهی از جوانان مبارز، اقدام به تشکیل یک سازمان مبارز کرد...

اعزام به فلسطین و شرکت در جنگ سیتامبر

سال ۴۹ ظاهراً برای ادبانی حاصل شد. فرانس رف. ولی در واقع برای عملیات نظامی و عملیات دیگر به فلسطین رفتند. او از انقلاب فلسطین درس و تجربه آموخت و در جنگ سیتامبر شرکت کرد. او در آن زمان، مسئولیت‌های زیادی را عهده‌دار شد...

شهادت

شهادت او برای تمامی مبارزین و انقلابی‌ها، در آن زمان، باعث شد تا روح مبارزه در میان جوانان، با شدت بیشتری ادامه یابد. او در آن هنگام، سر از سر برآورد...

دین را گرامی بداریم



شهید محمد بازرگانی



شهید کاظم ذوالانوار



شهید مصطفی جوان خوشدل

کنند اگر مصطفی ۲ خط بوسید. فقط اجنه، اورا آزاد می‌کند. او بعد یک نلم و کاغذ حاوی مصطفی گذاشتند که بردار و فقط ۲ خط بوسی! و مصطفی در کمال خونسردی جواب داد: سواددارم که بکشند سوادها برآخته شد و دیوانوار ملاقات را قطع کرد، و او را سرباز بردند.

بعد از یاد آگاه

بعد از اتمام دوره با حقوقی مصطفی را روانی به اصطلاح دادگاه کردند و او به اعدام محکوم شد. مدتی را زیر اعدام و در اسباب سبادت گذراند اما عدا بود به اصطلاح معفر فرار گرفت و محکومین به زندان آمد تبدیل شد و برای مصطفی دورانی از شکنجه و ضرب و زنجار آمدند از این زمان تا هنگام شهادت در ۳۰ فروردین ۵۶ بارها (تاریخ) او را شکنجه کردند.

مجاهد شهید مصطفی جوان خوشدل

میرزا محمد مصطفی که صورت یک منمو سالت گشته برآمده. مصطفی تحت فشاری را در طول‌های افراسین گذراند تا این حال همیشه روحیه شادان و عالی داشت و به دیگر زندانی‌ها و افراد تازه دستگیر شده نیز روحیه می‌داد. کافی بود تا سبک‌سوار روحیه را روحیه می‌داد تا با همی خطراتی را بنده تا دیگران حاضر نگردد. بارها در جبهه سرکشته فرار گرفت. ساسی که تشکله‌های در مورد مصطفی افعال می‌کردند، ساس تشکله فرانسوی بود. ساس تشکله فرانسوی که هیچ اسبابی ندارد و هر لحظه و هر روز باید منظر شکنجه بود. این ساس را در مورد افراد جوان‌اندیشی و ساس‌های جوانی می‌کردند تا سراسر آنها راه اصلاح شکنجه، اما مصطفی شکنجه بود.

مصطفی در حقیقت جنگ مصطفی ساس با روحیه محبتی حیلان دیگر یک جنگ اندیشی بود. ساس با روحیه می‌خواست او را شکنجه و مصطفی می‌خواست شکنجه شود و هیچکدام از طرفین سراسر حاضر نبودند. به اصطلاح گویا ساسد.

عضو یا سابقه سازمان

مصطفی یکی از اعضای اولیه سازمان بود. در سال ۴۸ جزه هفتاد و نه ساله بود. در سال ۵۰ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۱ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۲ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۳ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۴ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۵ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۶ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۷ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۸ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۵۹ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۶۰ به عضویت سازمان درآمد.

مجاهد شهید کاظم ذوالانوار

امریکا. مجاهدین برای پاسخ دادن به نوشته‌هایی که آمریکا علیه خلق ما و منصفه در دست اجرا داشت، اقدام به یک سلسله عظیمات بنامی کردند. این عظیمات عبارت بودند از: ۱- انعقاد انجمنی برای برابری آمریکایی و آمریکایی هوانی آمریکا. ۲- انعقاد انجمنی برای اطلاع‌رسانی به مردم آمریکا. ۳- انعقاد درت ورودی آمریکا. ۴- انعقاد درت ورودی آمریکا. ۵- انعقاد انجمنی برای اطلاع‌رسانی به مردم آمریکا. ۶- انعقاد انجمنی برای اطلاع‌رسانی به مردم آمریکا.

مصطفی در شهریور سال ۵۱ دستگیر شده بود. سراسر از آن تا اوک دوت و آبروی زیادی برای دستگیر شدن به عنوان یک عضو مهم و ارجمند سازمان صرف کرد. اما به او سرسیده بود چون هر روز خرس از حالی می‌آمد. تا بالاخره مصطفی که از صاف‌ترین سرگشته بود تا ورود به خانه‌ای که در رابطه با دستگیری چند نفر از اعضای سازمان لو رفته بوده به دام افتاده و دستگیر می‌شود. آنچه در با روحیه و سر شکنجه برای مهم بوده. مقاومت و حفظ اطلاعات و اسرار بود و مصطفی این درس را خیلی خوب فرا گرفته بود. مخصوصاً او که همیشه طبعی از سخاوت و از طغیان، پایش مردم حول و حوس خود داشت دنیا سنجیده و مفر بود که این افراد از جانب او لو ببردند.

دستگیری و شکنجه

کاظم در ۱۲ مهرماه ۵۱ هنگامی که سر یک فرار شکلاسی حاضر شده بود در حاضری پلیس فرار گرفت و با اسباب یک سیر به پایش منحرف شد. در این هنگام کاظم کوشش کرد که با شلیک یک سیر به شقیقی خود مانع از این شود که رنده به جنگ دشمن بیفتد که به علت رهنمی پایش از سیر پلیس نساوست آلتور که آمد و ماورس را به محل مورد نظر شلیک کرد و در نتیجه سیر به فک او اصابت کرد و کاظم زنده ماند.

مجاهد شهید محمد بازرگانی

محمد در سال ۱۳۲۵ در رفسانده زاده شد. تحصیلاتش را در تبریز و تهران گذراند. در سال ۱۳۴۵ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۴۶ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۴۷ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۴۸ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۴۹ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۰ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۱ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۲ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۳ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۴ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۵ به عضویت سازمان درآمد.

محمد در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد. در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد. در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد.

زندگی مخفی و شروع عملیات مسلحانه

از شهریور ۵۵ کاظم به زندگی مخفی روی آورد و به صورت یک معاهد و انقلابی حرفه‌ای به مبارزه و فعالیت ادامه داد. در کنار رزمندگانی چون احمد و رضا رضایی، شروع به بازسازی سازمان کرد. با وجود یک عنصر همه جاسه و کارآمد به عضویت کادر مرکزی درآمد و فعالیت به رشد و تکامل سازمان در آن سالها تک بود.

مجاهد شهید محمد بازرگانی

محمد در سال ۱۳۲۵ در رفسانده زاده شد. تحصیلاتش را در تبریز و تهران گذراند. در سال ۱۳۴۵ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۴۶ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۴۷ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۴۸ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۴۹ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۰ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۱ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۲ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۳ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۴ به عضویت سازمان درآمد. در سال ۱۳۵۵ به عضویت سازمان درآمد.

محمد در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد. در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد.

آموزش نظامی

محمد در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد. در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد.

در راه و کدهای فلسطینی

محمد در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد. در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد. در سال ۲۹ برای افسان دوری عظیمات نظامی به عضویت رفسانده و در حوضه جنگ حسین سیمایر ساس ۱۹۷۵ به عضویت رفسانده دستگیر شد.

در شماره‌های آینده به مناسبت سال گشت شهادت مجاهدین شهید: ناصر صادقی، علی میهن دوست، بهروز باقری، و محمد بازرگانی شمارا در جریان دادگاه و فعالیتات قبرمانانه شان خواهیم گذاشت.

مجاهد شهید ناصر صادق

برای رژیم به لحاظ داخلی و به خصوص انعکاس سن‌الطالی‌ای اهمیت تبلیغی و حیثیتی بسیار داشت. لذا با انواع و اقسام حیلها و مکارها سعی در برتری‌گری به اصطلاح «برودمانی» آن و در واقع تسلط از دفاع ایدئولوژیک مجاهدین نمود. از جمله ما فشار آوردن بر خانواده‌هایشان، تلاش می‌کرد که این مهربانان را در دادگاه ساک بگرداند. به عنوان مثال طی پیام‌های بسیار به خانواده‌های چهار تنیم ریف اول (ناصر، محمد، سعید و علی) در

"ما به شما نویسد می‌دهیم، ما دعاغی گشتی پیروزی را در افاق اقیانوس توده‌ها می‌بینیم، ما پیروزی خلق را می‌بینیم، ما پیروزی توحید را می‌بینیم."

مجاهد شهید ناصر صادق

صدق‌الغای این فکر بود که: «آنها اگر دفاع کنند، لایق اقدام خواهند شد ولی در صورت ابراز عداوت و با جسی کوبت، آزاد و با فقط به چند سال زندان محکوم خواهند شد، پس اگر آنها در دادگاه دفاع کنند و بعد اقدام شوند، به لحاظ دینی کارشان اشکال دارد چون مثل این است که خودکشی کرده‌اند! و با گاهی ناع می‌کردند که امام خمینی گفته است: دفاع کردن در حکم خودکشی و حرام می‌باشد. اولی جلسه دادگاه، منت محکمی بود که این مریدان مهربان خلق بر دهان باهوی رژیم شاک کردند. رژیمی که از یک طرف دستش به خون پاک‌ترین فرزندان خلق و روحانیون ساری چون اساتید معینی آغشته بود و از طرف دیگر بکران انجرام اسلامی آنها بود.

برادران ما با دفاعات استوارگرایان، حلیات دادگاه را به حلیات مباحثی رژیم تبدیل کردند بعضی حلیات دادگاه تا ۱۲ تن به طول می‌انجامد. و سراجام در بیان دادگاه حکم اعدام ۴ عضو بزرگت سازمان شد. حکمی که با استعمال گرم و برسر آبان بواجه گشت، و آن را به شکرگزاران از عفت عظیم شهادت که برایشان افتد، نهد بود. و سخته واداست.

ما باید خونمان ریخته شود تا هزاران جوان سلحشور سر بلند کنند

ما باید این حکم وسط دادگاه محدود نظر. از یک طرف رژیم کوشش‌های وسیع برای به راه آوردن این مهربانان انجام می‌داد و از طرف دیگر خانواده‌های مجاهدین سر دست به تلاش استقامتی وسیعی سرعلیه رژیم دادند. از جمله برگزاری مظاهرات در بازار، ضمن حضرت عبدالعظیم در محسن در جامعه‌های آفات عظام تم و اعصاب عداوت مادران و...

بیتنا صفحه ۴

مجاهد شهید مصطفی جوان خوشدل

خلاصه می‌تد، مصطفی و سازمان دو چیز حدفاصلی‌یابند بود. سازمان برای مصطفی فراگاهی منطبق بود پس از طی سیری طولانی و آثارم در آن سفر شده و با آن یکی شده بود. مصطفی در سال ۱۳۲۵ در خانواده‌ای متوسط و مذهبی متولد شده در دوران جوانی به مساعد و دلالت مذهبی متعددی رفت و آمد داشت، بزرگ‌ترین برآمد را در «پانزده خرداد سال ۴۲» از بزرگت مشاهده کرده بود و از آن به عنوان غلظتی عظمی در زندگی خود تا نثر پذیرفته بود. او هم از سال ۱۵

ویژه‌نامه

یاد شهیدان پیرو دین را گواهی بداریم

اعلامیه می‌جاهدین خلق در فروردین ۵۳ به مناسبت ۳۰ فروردین



سرگرمی از فروردین سال ۱۳۴۰... مشکلی در بین مردم نبود... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...

در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که... در آن زمان که در آن زمان که...



به استواری گوی: مجاهد شهید کاظم

در دورانی که کاظم در اجازت به سر می‌برد بواسطه ناخودآگاه سوره‌ها دفتر را فریب دهد و خود را یک زندانی بی‌آزار و عادی قلمداد کند. این در حالی بود که کاظم یکی از عناصر اصلی معاندینای زندان بود.

از جمله او خواست آدرس و محل کار کاظم را با خود حمل کند. او به شخص کاظم حسنی به احترام و زمان بازگشت می‌نمود. خدمت آورده و به زندگان اعلامی می‌کرد و بوسیله اعداد وی را می‌گفت.

کاظم آدرس سرگرد رضایی رئیس زندان را سر خدمت آورد و به محالفت با اعداد وی در برنامه‌ها کار سازمان بود که با ضرباتی که سازمان در ۲۵ فروردین نمود وقوع به اجزای آن شد.

کاظم در نزدیکی زندان بود. در رابطه با نیروی که زندان دفعی انجام داد در حال ۵۳ هنگامی که در نقل و انتقال زندان مبارکی ذال بر فعالیت کاظم شد آمد. رژیم فهمید که جاسوس می‌باشد و در زمان است و زندان آن مردمان حاضر گشته کاظم را به زیر شکنجه برد.

و این شد دیگری بود از جناب روح به و غلظت مطعی از وزارت زندان. وقتی خبر شهادت کاظم و سایر زندگان به زندان رسید، محکمی محسن سایر زندگان را فراگرفت. این سکوت به افسان می‌نماند. از او می‌خواستند اعتراضات گوناگون سایر زندان را بر سر او برسانند. از او می‌خواستند که در زندان به رژیم حاضر گشته و به در زندان و شکنجه‌ها و به در زندان، سایر زندگان فطری و حوسل دنیا را به با برتری کردند. در آن هنگام نام کاظم می‌آمد با حسم و کوه او با یاد می‌کرد و می‌گفت کاظم در حالی گشته که ساری از اطلاعات خود را ندادند.

کاظم همیشه در هنگام کار در وقت خود این دعا را می‌خواند: "اللهم اجعل وفاتی شهادتی می‌سببک تحت رایه سبک مع اولیائک" خداوند وفات و بزرگ من را شهادت در راه خود قرار بده تحت رحمت و لوی بی‌سزاست. تا دوستان اولیائت و ایضا است که اندک گویم کاظم به دین خدا ستم و سهادتی نائل آمد که آرزوی ساری داشت. فطری نفس امارتی رسوا فرضا.

خون ناک کاظم بر حتم سرج آرمان خودی را سر بر کرد. نادین گزایی باد.

شعری از مجاهد شهید محمد بازرگانی

این شعر را محمد در زندان اوین در آستانه‌ی شهادت سرود.
جراح دیگری در راه روشن می‌نماید خلق و زان پس سر بلند و روسپیدم من که بر عیدم وفا کردم و گویوی، نیک می‌بینم، به دنبال خروش خشم مردم را که چون موجی پیاپی خیزند و بخروشند و مشت آهنین بر پیشانی فرسوده و لیزان نش گویند و در نوحام، ظلمت محو می‌گردد و شب پایانی می‌یابد و نوح آفتاب صبح می‌یابد و فروغی گرم و جان افزا به خاک ما و بر ویرانه‌ی تپه‌نگاران و مردم شادمان گردد و بر خرم‌ها برافرازند درون سینه‌ام را با باز شکافتد اینست و خونم را روان سازد و یکبار دگر اثبات می‌گردد مرا از هر گناهی پاک گرداند و فردایش شفق بیکه ذره رنگش سرخ‌تر می‌گردد

مجاهد شهید کاظم ذوالانوار

مرد وابسته به سازمان مجاهدین عربی کرد که تاریکی شروع به فعالیت کرده‌است و بخش خود را صرفا در حد بحث اعلامیه می‌نمود.

شهید زنده

معلم شهید دکتر تره‌چی که مصطفی را در کشته ریاد دیده بود و از وضع او تا خبر بود می‌گفت: «خوشدل شهید رنده است. یعنی او در حال حیات سر شهید است اما حیات او دیگر دیری نماند. و ای یک کاش مصطفی رنده بود و می‌دید که چگونه خلق او تا تمام نوبته‌ی خود به راه او صحنه

بیتنا صفحه ۴

هرج و مرج و آنارشی در دانشگاهها

در روند هر مبارزه ضدامپریالیستی، نیروهای وابستگار، گونشهای نهایتاً نافرجام درجهت جداسازی مردم و نیروهای انقلابی به عمل می‌آورند، چرا که در وحدت این دو و تداوم انقلاب، نفی تاریخی خود را مشاهده می‌نمایند. و اکنون که پیش‌از آن خلق ما می‌روند تا به همراهی مردم‌نشان ویتنام دیگری برای آمریکا و هندستانش بیایند، نیروهای راستگرا به تکیه بر افتاده و سعی در منحرف کردن اذهان، از دشمن اصلی و متغول داشتن آنان به مسائل فرعی دارند. حال آنکه بارها امام بر "شیطان بزرگ" به عنوان دشمن اصلی تأکید ورزیدند.

یکی از آخرین شرکدهای ایران که دست‌اندرکار اجناس هستند به راه انداختن هرج و مرج و مالا تعطیل دانشگاهها تحت پوشش به اصطلاح "یاکسانی" می‌باشند که نهایتاً برخلاف ادعای به ظاهر انقلابی‌شان، تنها امپریالیسم و ضد خلقی آن‌ان سود می‌برند. اما خلق مبارز و قهرمان ایران همیشه نشان داده است که به موقع صف انقلابیون را از صف عوام‌فریبان و انحصارطلبان تمیز داده و خواهد داد.

• (اول مهرماه ۵۸) امام خمینی در پاسی به مناسبت آغاز سال تحصیلی خطاب به دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر کشور گفت:

دانشان اسلام و

عازن‌گرا گنور با توطئه و سرنگ‌ها می‌خواهند در این سکر عظیم که امید ملت و مرکز سربوشتی‌ها است، رخنه نموده و با اعمال خود شما را از راه خود که راه حق و راه حرمس و مسمعین است منحرف و با اختلالگری، در مراکز علم، تماراز اهد پار دارند...

• (۲۴ شهریور ۵۸) - دانشسراها - درسناها و دستسناها - منک است اجناس با گروههایی خواهد شد اسمحای تبلیغاتی فرسوده در کار دانشگاهها اختلال کنند و از روشن سراسرها جلوگیری کنند عزیزان دانشگاهها و محصلین سایر مدارس با سی اعنتانی بسوردی با آن مواجه سوند و توطئه آنان را حتمی نمایند.

• (۲۴ شهریور ۵۸) - پیام محاهدین خلق ایران به دانشجویان سراسر کشور - دانشگاهها آغاز سال جدید دانشگاهی:

• (۲۵ شهریور ۵۸) - حاضر نگاری هائی دربارهی وضعیت سالانی دانشگاهها ایران می‌گردید، ما امتصانات عمومی سرگردی دانشگاهی و تعطیل دانشگاهها را به طراح ندانسه و ضمن برنگذات حتمس منظم دانشگاهی تماراز به بی‌کری، تعال حتمس خود، البته به طری و در جهات سبب دعوت می‌کیم.

• (۲۵ شهریور ۵۸) - در کلاسهای علمی و فرهنگی، در سراسر انقلاب، به نظر من کاملاً لازم است، دانشگاهها اداره خود دانشجویان مسئول تحسب و وترنگاش نداسوی اندسیده سوند.

• (۲۵ شهریور ۵۸) - در کلاسهای علمی و فرهنگی، در سراسر انقلاب، به نظر من کاملاً لازم است، دانشگاهها اداره خود دانشجویان مسئول تحسب و وترنگاش نداسوی اندسیده سوند.

• (۱۹ فروردین ۵۸) - تهران، جناحی منسولم به وزارت علوم (در مورد مسومعت فعالیت گروههای سیاسی در دانشگاهها و مدارس عالی). مسولس دانشگاهها و مدارس عالی. از اخاره دادن به گروههای سیاسی. به هر عنوان، برای برگزاری مراسم سخنرانی و شمعان سیاسی، خودداری کنند.

• (۱۹ فروردین ۵۸) - تهران، در دانشگاه علوم صنعت، اعلامیای توریع تد، مضمون این اعلامیای بدون ایما، یا کساری و حمعه، در دانشگاه بود، و از کارکنان معقد به امام، در جوابت کرده بود که اعلامه را اصفا کنند - در این دانشگاه، انجمن

گزارشی از:

مراسم سالروز شهادت مجاهدین شهید



برادر مجاهد مسعود رجوی در مراسم گرامی داشت شهیدی ۳۰ فروردین در منزل مجاهد شهید ناصر صادقی

پنجشنبه ۲۸ فروردین ماه به مناسبت گرامی‌داشت هشتاد و سه شهید مجاهدین شهید: ناصر ادی، علی باکری، علی سید دوست، محمد بازرگانی، موشند آرزنگ خاسای، غنی اصغر منظر جعفری، کاظم ذوالنوار، منظمی جوان جوندل، مراسم بزرگداشتی در منزل مجاهد شهید ناصر صادقی با شرکت مجاهدین و هواداران و سیر گروهی دیگر از مردم برگزار شد. در این مراسم برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خاسایی حضور داشتند. در ابتدای مراسم پس از اعلام بریامه، خواهر مجاهد شهید ناصر صادق مقاله‌ای دربارهی مبارزه و شهادت قرائت کرد. سپس پیام حتمس مادران مسلمان به ماست هسمن سالگرد ۸ مجاهد خلق توسط مادر مجاهد شهید عبدصفا خواهد

هجوم به دانشگاه علم و صنعت یا اولین

گام‌های هرج و مرج در دانشگاهها

پس از افشای توطئه اشغال مراکز آموزشی و دانشگاهها و جلوگیری سازماندهی و شکل‌گیری و برنامهریزی این توطئه، دانشجویان منتصب به انجمن اسلامی که در ابتدا خود را از این توطئه پاک دانسته و ضمن تکیه بر این جریان واکنشهای متفاوت نشان می‌دادند، در روز پنجشنبه ۲۸/۱/۵۹ با استفاده از تعطیلی دانشگاه، توطئه خود را در دانشگاه علم و صنعت به اجرا در می‌آورند. شرح ماجرای دانشگاه علم و صنعت به قرار زیر است:

حدود ساعت ۸ صبح پنجشنبه ۲۸ فروردین عده‌ای از دانشجویان منتصب به انجمن اسلامی به سمت درب ورودی دانشگاه هجوم آوردند و قصد بستن درب و مهر و موم کردند.

آن‌ها محصور به عقب‌نشینی می‌نمودند. در این میان اعضای انجمن دانشجویان مسلمان جهت جلوگیری از وقوع این فاجعه اقدام به دفاع از درب ورودی کردند. در این میان اعضای انجمن دانشجویان مسلمان جهت جلوگیری از وقوع این فاجعه اقدام به دفاع از درب ورودی کردند.

در مقابل این کارها مبر سیستم و سنجان بر دم دعوت می‌کیم که عرصه‌ی اجناسی ما را برای تکیه کارهایی که پیروی مردم را به خطر می‌اندازند، تک‌گند.

• (۲۴ فروردین ۵۸) - آذربایجان شرقی، قطعه‌ای سنجار جامعهی روحانیت آذربایجان شرقی: ۱ - نظارت علماء و روحانیت هر منطقه در قسمتهای فرهنگی برای جلوگیری از توطئه‌ها و غلبات ضد اسلامی.

• (۲۵ فروردین ۵۸) - حاصفای سراسری برای تدبیل فرهنگیان، انشاء الله به یک فرهنگ مستقل و فرار دادن دانشگاهها، در سراسر انقلاب، به نظر من کاملاً لازم است، دانشگاهها اداره خود دانشجویان مسئول تحسب و وترنگاش نداسوی اندسیده سوند.

• (۲۵ شهریور ۵۸) - در کلاسهای علمی و فرهنگی، در سراسر انقلاب، به نظر من کاملاً لازم است، دانشگاهها اداره خود دانشجویان مسئول تحسب و وترنگاش نداسوی اندسیده سوند.

• (۲۶ فروردین ۵۸) - انجمن اسلامی کامیونر، طی اعلامیای، است که - برای آخرین بار، به این گونه گروهکها، احطار می‌کنم که از این اعمال فورا دست بردارند، در غیر این صورت، اگر دانشگاهها، معتمد، عکس‌العملی از خود نشان بدهند، مسئولیتی مواجه ما خواهد بود و کلیهی عوارض آن را، همان گروهکها باید بپذیرند.

بهروز را دیدم

این شعر را مجاهد شهید رسول سنگرمام پس از شهادت شهید مجاهد شهید بهروز علی باکری (در زندان سرودند) - بهروز را دیدم، بهروز را دیدم، همین امروز بهروز را در آشیان خاطرم دیدم او چون همیشه سهرابن گرم و مگیر بود. چشمانش از مهر و عطفوت داستان‌ها داشت در فکر فردا و امید تسل فردا بود فردا همیشه زبیر زبیران‌ها داشت می‌گفت:

اخراج و زندانی شدن کارگران مبارز

حدود یکماه قبل، ۲۷ دانشساز کارکنان شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت از کار اجراج شدند. حرم کارکنان اجراجی این بود که از مسئولین امر که از بالا نگاه می‌کردند، سوال کرده بودند. "چرا به نظرات شورای کارکنان توجه نمی‌نمود و درباره مسئولیت کارها سر همسوز گندسه و دست افراد طاغوتی سرده ندهد؟" پس از اجراج کارکنان خیلی روشن و طبیعی بود که کارکنان و سایر کارکنان در مقابل این عمل و نه خصوص تصفیت نورا و موهمن به آنها ساک خواهند شد و از ناسدگان خود دفاع خواهند کرد. به این جهت لاف‌ناضه اعتراضات دسته جمعی کارکنان شروع شد و مسئله به ریاست جمهور و شورای اعلاط هم رسید. کارکنان به تنها اجراج خود - سراسری سازماندگان را محکوم کردند بلکه مدوربت صنعت نفت را به عنوان مسئول و عامل اصلی گرفتاریها و دسوارها معرفی کرده و به دنبال آن خواستار برگزاری یک مناظره تلویزیونی با وزیر نفت شدند.

به دنبال این جریان دادستان کل انقلاب، کارکنان اجراجی را - که از ۲ مهر رسیده بودند - به تهران احضار کرد. کارکنان بلافاصله

اصطلاح نماز وحدت نیروهای تحریک شده را به آن سمت بسج کرده بودند و وقتی با مقاومت سرخاتنوع دانشجویان مواجه شدند جرح خود را نشان دادند و ضمن هجوم و شمشانه چند تن از برادران را بخروج کردند ولی کاری از پیش نبودند. آنگاه اقدام به قطع برق و تلفن دانشگاه کردند که مبادا حقایق به گوش مردم آگاه برسد و در صدد دفع توطئه برآیند. با وجود این مردم آگاه که از گونه کنار اخبار به گوشان رسیده بود به حمایت و دفاع از دانشجویان و خانه ی آنها شتافتند و هر لحظه مردمی که به یاری دانشجویان می‌آمدند زیادتر می‌شدند...

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران - سال اول - آدرس: تهران ۱۶ - صندوق پستی شماره ۶۶/۱۵۵۱

دیدگی گفت آخر، سبب دیگر دیگری می‌خواهی از این سبب سرازهای حوجهی آتش سرازهای حوجهی اقدام المداکترهای ما که تا ششیدند فریادهای "خلق پیروز است" سنگ و مدلت بر رژیم شاه و استعمار برگشتند، برگشتند، برگشتند، در حالی که در دور می‌دیدم فریادهای ختم ما را در دور تکرار می‌کردند برگشتند در حالی که می‌گفتند: آری، خلق پیروز است، خلق پیروز است.

اخراج و زندانی شدن کارگران مبارز

حدود یکماه قبل، ۲۷ دانشساز کارکنان شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت از کار اجراج شدند. حرم کارکنان اجراجی این بود که از مسئولین امر که از بالا نگاه می‌کردند، سوال کرده بودند. "چرا به نظرات شورای کارکنان توجه نمی‌نمود و درباره مسئولیت کارها سر همسوز گندسه و دست افراد طاغوتی سرده ندهد؟" پس از اجراج کارکنان خیلی روشن و طبیعی بود که کارکنان و سایر کارکنان در مقابل این عمل و نه خصوص تصفیت نورا و موهمن به آنها ساک خواهند شد و از ناسدگان خود دفاع خواهند کرد. به این جهت لاف‌ناضه اعتراضات دسته جمعی کارکنان شروع شد و مسئله به ریاست جمهور و شورای اعلاط هم رسید. کارکنان به تنها اجراج خود - سراسری سازماندگان را محکوم کردند بلکه مدوربت صنعت نفت را به عنوان مسئول و عامل اصلی گرفتاریها و دسوارها معرفی کرده و به دنبال آن خواستار برگزاری یک مناظره تلویزیونی با وزیر نفت شدند.

به دنبال این جریان دادستان کل انقلاب، کارکنان اجراجی را - که از ۲ مهر رسیده بودند - به تهران احضار کرد. کارکنان بلافاصله

اصطلاح نماز وحدت نیروهای تحریک شده را به آن سمت بسج کرده بودند و وقتی با مقاومت سرخاتنوع دانشجویان مواجه شدند جرح خود را نشان دادند و ضمن هجوم و شمشانه چند تن از برادران را بخروج کردند ولی کاری از پیش نبودند. آنگاه اقدام به قطع برق و تلفن دانشگاه کردند که مبادا حقایق به گوش مردم آگاه برسد و در صدد دفع توطئه برآیند. با وجود این مردم آگاه که از گونه کنار اخبار به گوشان رسیده بود به حمایت و دفاع از دانشجویان و خانه ی آنها شتافتند و هر لحظه مردمی که به یاری دانشجویان می‌آمدند زیادتر می‌شدند...

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران - سال اول - آدرس: تهران ۱۶ - صندوق پستی شماره ۶۶/۱۵۵۱